

## بررسی سفال دوره انتقالی و ایلام میانه در جنوب غربی ایران

دکتر حسنعلی عرب

عضو هیات علمی گروه باستان شناسی دانشگاه شیراز

[Has.arab@gmail.com](mailto:Has.arab@gmail.com)

مهرداد حاتمی

عضو هیات علمی گروه باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۲۵)

### چکیده

شناخت سبک‌های سفالی همواره دغدغه باستان‌شناسان بوده است. در این مقاله فرم‌های سفالی محوطه‌های شرف آباد، شوش و هفت تپه در دوره انتقالی ایلام و دوره ایلام میانه مورد بررسی قرار گرفته و هر یک به تفکیک معرفی شده‌اند. در مواردی که نمونه‌های شاخص، مورد مشابهی در محوطه‌ها یا مناطق دیگر داشته‌اند نیز آورده شده و با هم مقایسه شده‌اند و در آخر تحولاتی که گونه‌های سفالی در دوره مورد بحث و در منطقه داشته است آورده شده است.

**واژگان کلیدی:** سفال، ایلام میانه، دوره انتقالی، شوش، هفت تپه، شرف آباد

ظروف استاندارد گاهی چنان بوده است که بخشی از ظرف با قسمت دیگر و یا خمیر سفال با سطح آن متفاوت است. ماده چسباننده اصلی کاه و یا کاه خرد شده بوده و دارای پخت یکسانی هستند. ظروف با رنگ خاکستری مایل به قهوه‌ای و با ویژگی‌های شکل ایلامی سوکل مخ‌ها می‌باشد (Schacht; 1975; p 314-15).

گونه‌های سفالی ایلامی تپه‌شرف‌آباد:

کوزه‌ها و فرم‌های مشابه آن: ۱- کوزه‌ها یا ساغرهای پایه دار کوچک تا متوسط با گردن نامنظم و لبه ساده (تصویر a-j و تصویر k). لبه ساده این ظروف که به اصطلاح ساغر گفته می‌شود از روی تکه‌های سفالی که پیدا شده‌اند، مشخص می‌شود و این گونه‌های سفالی کمتر متداول بوده‌اند. در حقیقت اینجا بیشتر تنوع با توجه به این ویژگی‌های سفالی است.

فرم لبه به صورت نامنظم می‌باشد. به طور متوسط بدنه ظروف نازک بوده و معمولاً ضخامت آن (۳-۵mm) گاهی ضخامت متوسط (۵-۱۰mm) است و از لحاظ ارتفاع گردن در سه گروه طبقه بندی می‌شوند: ظروف گردن کوتاه (۱۸-۲۲mm) (تصویر b-d) ظروف گردن متوسط (۳۱mm-۲۵) (تصویر a, h, j, m, n) و گردن بلند (۳۴-۴۲mm) (تصویر g-i) در پایین گردن ظرف و در قسمت شانیه معمولاً یک خط مشخص بین گردن و بدنه وجود دارد. این مشخصه در واقع می‌تواند به صورت زاویه ساده بیرونی باشد

سفال یکی از مهم‌ترین داده‌های باستان شناختی است که در تعیین گاه نگاری نسبی و بعضاً مطلق محوطه‌های باستانی نقش اساسی دارد. بر همین اساس شناخت سبک‌های سفالی هر یک از دوره‌های تاریخی و پیش از تاریخی کمک زیادی در پیشبرد اهداف پژوهش‌های باستان شناختی دارد. دوره انتقالی و ایلام میانه از جمله دوره‌هایی است که چندین محوطه با شواهد این دوره کاوش و بررسی گردیده است. پس از سالیان متمادی هر یک از این محوطه‌ها به صورت جداگانه معرفی و بررسی شده و هرگز مدارک آنها در کنار هم قرار نگرفته است. هر چند در این زمینه کارتر و گش تلاش‌هایی مبذول داشته‌اند ولی داده‌های جدید را در اختیار نداشته‌اند. در این پژوهش سه محوطه کلیدی این دوره شامل شوش، شرف‌آباد و هفت تپه مورد بررسی قرار گرفته است.

### تپه‌شرف‌آباد

این محوطه در ۱۵ کیلومتری شمال شرقی شوش قرار دارد که آثار مرحله انتقالی را به خوبی نمایش می‌دهد. بر اساس آزمایشات کربن ۱۴ و یافته‌های کوچک متنوع تاریخ ۱۴۰۰-۱۷۰۰ ق.م را برای این تپه مشخص شده است (Carter; 1979; p 124).

ظروف استاندارد ایلامی تپه‌شرف‌آباد به رنگ سبز-نخودی روشن و بر اساس جدول رنگ مانسل 2.5Gy9/2 می‌باشد. پخت این

با شیب زیادی اغلب دارای برجستگی بوده (تصویر ۳ c,x-aa-ee) و یا طرح کنده دارد (تصویر ۳ c,d,e,I,j). طرح کنده بیشتر به صورت خطوط کنده یک یا دو تایی افقی یا خطوط شانهای است. ضخامت بدنه ظروف (معمولاً  $10+ \text{mm}$ ) می باشد. معمولاً گردن کوتاه بوده و شان بلند داشته. دهانه ها معمولاً عریض هستند ( $120-230 \text{mm}$ ) تعدادی از این ظروف به رنگ خاکستری یا متمایل به قهوه‌های با چندین شیار در شان ظرف با فاصله از لبه ( $12-24 \text{mm}$ ) قرار دارند. کوزه‌های مشابهی که دارای نقوش کنده هستند این شیاریها را ندارند.

کوزه‌های بدون گردن متوسط تا بزرگ یا خمیره‌هایی با لبه‌های طاقچه‌های به جلو آمده یا لبه‌های لوزی شکل پایین؛ از آنجا که دارای تعداد کمی هستند فاصله زیادی در طبقه بندی ظروف ایجاد می کند. دلیل آن، ظروف بزرگ و شکل‌های غیر معمول است. قطر دهانه این ظروف معمولاً در حدود ( $300 \text{mm}$ ) می باشد.

لبه‌های مدور یا نواری کاسه‌ها یا فنجان‌ها (تصویر ۱ e) با بدنه به ضخامت‌های متوسط ( $5-10 \text{mm}$ )، ظریف و نازک گونه دیگری است. لبه‌های این فنجان‌ها یا کاسه‌ها تنها در لبه‌های ساغرهای دوره انتقالی یا دوره میانی ایلامی دیده می شود. سطح بیرونی حدود ۱۰ درصد کاسه‌های لبه مدور با لبه مدور یا شیار می باشند. این نوع کاسه‌های ساده مشابه گونه‌هایی است که کارتر آنها را مربوط به دوره انتقالی یا دوره ایلام میانی می داند. ارائه این گونه در همه چهار لایه ایلامی

که در برش مقطعی ظرف به صورت زیگزاگ است.

شانه ظرف‌ها اصولاً به صورت پله‌های یا زیگزاگی می باشد. اغلب تزئین کنده تنها در پایین شان قرار دارد. بیشتر طرح‌های متداول به صورت باندهای افقی ساده شامل ۳-۴ شیار شانهای است. شیار افقی یک یا دوتایی کمتر پیدا می شد. (تصویر ۱ n) سه نوع پایه دیسکی (تصویر ۱ m)، پایه‌های دکمه‌های و پایه‌های استوانه‌های دیده می شوند.

۲- کوزه‌های با لبه باندی شکل (تصویر ۳-۱

(w)

این ظروف در دومین گروه لبه‌های کوزه قرار دارند که بیشترین تعداد را دارا هستند. لبه‌های باندی گاهی به عنوان لبه گردباندی یا لبه برگشته به بیرون نامیده می شود. لبه‌های باندی برگشته به بیرون در سطح بیرونی معمولاً ۴۵ تا ۹۰ درجه به شکل افقی زاویه دارند. این سطوح به صورت باند ممکن است به صورت باریک ( $11-15 \text{mm}$ ) متوسط ( $16-25 \text{mm}$ ) و یا پهن ( $26-49 \text{mm}$ ) بوده و به انواع مختلف تقسیم شود.

۳- کوزه‌های دیگر با لبه‌های متوسط تا

دهانه پهن بزرگ

کوزه‌ها با لبه متوسط تا زاویه دار بزرگ یا لبه طاقچه‌های و خمیره‌ها (تصویر ۳ c,d,e,I,j,x-aa-ee-ff) این ظروف دارای یک دهانه باز ( $164-180 \text{mm}$ ) یا بیشتر) می باشد و شان ظرف

در چندین نوع از ظروف دوره سیماشکی تا دوره انتقالی استفاده می‌شد، اما بنظر می‌رسد که بیشتر در دوره سوکل مخ بوده بکار رفته است.

پایه‌های تخت؛ (تصویر ۱k) این شکل پایه‌ها در ظروف سفالی این محل بیشترین تعداد را دارا است. قطر متوسط پایه‌ها بیشتر از (۸۰-۴۰mm) بوده. اما خیلی از پایه‌ها قطر زیادی داشتند و کمتر ظرف پایه کوچک‌تر وجود داشت. کارتر این نوع پایه‌های تخت را برای چهار دوره ایلامی سیماشکی سوکل مخ و زمانی که این پایه‌های تخت با کوزه‌های کوچک و ساغرهای استوانه‌های همراه می‌شود، می‌داند؛ و نیز در دوره انتقالی و ایلام میانی یعنی زمانی که این پایه‌های تخت در فنجان‌های کوچک زاویه دار بکار می‌رود. در تپه‌شرف‌آباد پایه‌های تخت بیشتر از سایر پایه‌ها در لایه دوم و نیز قسمت نخست لایه سوم دیده شده که البته فرم‌های دیگر مثل پایه‌های کوتاه، پایه دیسکی شکل و پایه بطری مانند نیز در آنجا بدست آمد.

پایه‌های دیسکی شکل (تصویر ۱n, O) و تصویر ۳ff) دومین نوع پایه‌هایی هستند که همراه با پایه‌های تخت در این دوره‌ها تکرار می‌شوند. پایه‌های دیسکی ممکن است در مراحل دیگر نیز بدست آید. بیشترین اندازه قطر پایه به اندازه (۴۰mm) است. فرم کوچک آن در بیشترین اندازه قطر به اندازه ۶mm می‌باشد. بدین ترتیب اغلب این نوع پایه‌ها خشن و به فرم قیفی ناقص بوده. اگرچه در برش مقطعی فرم پایه‌های مختلف دیده می‌شود. بسیاری از پایه‌های دیسکی دارای

تپه‌شرف‌آباد وجود دارد و بیشترین تکرار این کاسه‌ها در لایه III می‌باشد.

جام یا فنجان‌های لبه طاقچه‌های یا مثلثی و یا تخت (تصویر ۱f-k)

این گونه کمتر از کاسه یا جام‌های لبه مدور یا نواری ساده دیده می‌شود. بیشتر لبه‌ها در طبقه بندی فعلی به صورت سطح افقی صاف می‌باشند. بیشتر برگشته به بیرون و بعضی برگشته به داخل هستند. همچنین گاهی تنها شیاری در بیرون و یا پایین لبه قرار دارد (تصویر ۱k) و بعضی ظروف به رنگ قهوه‌های یا خاکستری مایل به قهوه‌های (تصویر ۱e) که بدنه آنها دارای ضخامت متوسط (۱۰-۵mm) می‌باشند. این کاسه‌ها مشابه نمونه‌هایی است که کارتر آنها را مربوط به دوره انتقالی دانسته است. در تپه‌شرف‌آباد این کاسه‌ها در همه چهار دوره ایلامی پیدا شده است.

کاسه یا جام‌ها با لبه مدور ضخیم: متوسط ضخامت بدنه این نوع ظروف (۱۰-۵mm) بوده و بیشتر در سطح بیرونی پایین لبه دارای شیاری می‌باشند. کاسه‌ها از این نوع مشابه گونه‌هایی است که کارتر آنها را در لایه II تپه فرخ آباد مربوط می‌داند یعنی دوره سوکل مخ.

تزئین کننده در بدنه ظروف؛ شامل تزئینی شیاری، شان‌های، و گاهی نیشگونی و یا دیگر شیوه‌های که شبیه تزئین شیاری و شان‌های به صورت منقطع است. این روش‌ها در هر چهار دوره ایلامی تپه‌شرف‌آباد بکار رفته است. اما بیشتر در دو لایه نخست متداول بوده و تکرار گردیده. کارتر گزارش می‌دهد که تزئینات کنده

این پایه‌ها دارای یک برآمدگی از داخل هستند، تعداد کمی از پایین بدنه ظرف تشکیل شده‌اند و تعدادی نیز با نخ بریده شده‌اند. کارتر خط بین پایه دکمه‌های و پایه دیسکی را در بیشترین اندازه (۸۰mm) می‌داند. از این جهت بعضی از انواع ظروف که پایه دکمه‌های تصور شده؛ با این نتیجه گیری جدید نوع پایه دیسکی قلمداد می‌شود. در هر حال بیشتر انواع پایه دکمه‌های مربوط به دوره سوکل مخ‌ها یا دوره انتقالی می‌باشد. نوع پایه دکمه‌های در فرم‌هایی مانند ساغر با بدنه ظریف و کوزه‌های متوسط با شانه بزرگ که در طول دوره سوکل مخ‌ها رایج بوده و کوزه‌های با گردن کوتاه و ساغرهای شانه دار یا بدون شانه در طول دوره انتقالی رایج بودند. بعضی از ساغرهای دوره ایلام میانی متعلق به این طبقه بندی می‌باشند. در تپه‌شرف‌آباد پایه‌های دکمه‌های تا اواخر دوره III رایج بوده (Schacht; 1975; p: 323).

پایه‌های حلقه‌ای؛ (تصویر ۳ee) معمولاً در کم‌ترین اندازه قطر (۸۰mm) بوده. پایه حلقه‌های نواری در دوره سیماشکی، سوکل مخ‌ها و دوره انتقالی رایج بودند. شکل ظروف اصلی که دارای این پایه بودند و توسط کارتر مشخص شده کوزه‌هایی با اندازه متوسط تا بزرگ بوده و دارای گردن بلند می‌باشند. در تپه‌شرف‌آباد پایه حلقه‌های نواری به تعداد کم در هر چهار دوره ایلامی آنجا پیدا شد (Schacht; 1975; p:322).

پایه حلقوی؛ تشخیص تداوم کوزه‌ها با پایه حلقوی مشکل است. این به دلیل نتیجه گیری آن

اندازه متوسط (۴۸-۴۰mm) است، اما بعضی بزرگ‌تر بوده و بعضی به صورت پایه داخلی می‌باشد. این پایه‌ها، مشابه پایه‌های دوره سیماشکی و ایلام میانی است. کارتر پایه‌های دیسکی را با ساغر و کوزه‌های شانه دار همراه می‌داند، اگرچه کاسه با پایه دیسکی را مربوط به دوره انتقالی می‌داند.

نوع پایه ضخیم (تصویر f) مربوط به سومین گروهی است که متداول بوده و مقدار زیادی را شامل می‌شد. نوع پایه ضخیم به صورت فرم کوچک، تعداد آن محدود بوده و بدین ترتیب مشخص شده که اندازه بین کمتر و بیشترین قطر پایه کمتر از (۶mm) است.

بسیاری از پایه‌های نوع ضخیم خیلی کوتاه و در مقیاس نوع پایه‌های صاف طبقه بندی می‌شود. اگرچه بسیاری از ظروف پایه‌های بزرگ‌تر و برخی پایه‌های کوچک‌تر داشتند، پایه‌های نوع ضخیم در کوزه‌های گردن کوتاه، ساغرها و کوزه‌های شانه بزرگ ساخته می‌شد و به دوره سوکل مخ، دوره انتقالی تاریخ گذاری می‌شوند. آنها در تپه‌شرف‌آباد در دوره سیماشکی نیز معمول بودند و بعضی کاسه‌ها با نوع پایه ضخیم در دوره ایلام میانی نیز وجود داشتند. در هر چهار دوره ایلامی تپه‌شرف‌آباد، ظروف پایه ضخیم بدست آمده و در اواخر دوره III تعداد آنها افزایش یافته است.

پایه‌های دکمه‌های (تصویر m) از نوع ابتدایی پایه دیسکی هستند. اندازه بیشترین قطر پایه دکمه‌های کمتر از (۴۰mm) است. بعضی از

(carter;1979; p 111) و دومکنم نیز در سال ۱۹۷۲ در پاکسازی بخشی از ضلع فرسایش یافته، کارگاه ۱، ۱۴ لایه را تشخیص داد (کارت، ۱۳۷۶، ص ۷۱).

کوزه‌هایی با انتهای نوک تیز در لایه‌های هزاره دوم شوش و چغازنبیل بدست آمده است، خمره کوچک با همین شکل نیز متداول بوده است. برای دادن پایداری به این سفالینه‌ها هنرمندان پایه‌های نگه دارنده‌های را به شکل حلقه هائی با دیواره‌های عریض مقعر و با لبه‌های دهان گشاد ابداع کرده‌اند که دارای مصارف بسیار متداول بوده است و تعداد زیادی از آنها را در شوش مربوط به هزاره دوم قبل از میلاد باز می‌یابیم. در دور اونتاش نیز این پایه‌ها شناخته شده است پایه‌های تجملی که برای همین منظور استفاده می‌شد نیز بدست آمده است (گیرشمن، ۱۳۷۵، ص ۱۱۳).

در لایه‌های ۱۲ تا ۹ دوره IV<sub>A</sub> کاسه‌های زاویه دار شکل‌های باز و گشاد و پهن همراه با نوارهای فشار انگشتی در زیر لبه و تعدادی از خمره‌های گردن کوتاه که نواری با فشار انگشت در قسمت پایین و ته ظرف به طرزی خاص در آنها ایجاد شده است نوارهای تزئینی که به صورت سطحی کنده کاری شده است نیز شناسایی شده است.

#### لایه‌های ۸ و ۷ دوره IV<sub>B</sub> ؟

معمول‌ترین شکل‌های این لایه متعلق به کاسه‌های مخروطی خمره‌هایی با شانه دندان دار

بر اساس تکه‌های خرد شده پایه‌های حلقوی است. سه نمونه از این پایه در حفاری تپه‌شرف‌آباد بدست آمد که هر سه نمونه نیز در کف خانه قرار داشت. طوری که تنها لبه کوزه بالاتر از کف خانه بود. در دو نمونه لبه ظروف بدست نیامدند و سومین نمونه، دارای لبه ساده به صورت مایل نامنظم و به صورت تکه‌های خرد شده باقی مانده بودند. این نمونه بیشترین قطر بدنه آن ۳۳۰mm و قطر گردن ۱۱۵mm بوده و ارتفاع آن ۴۳۵mm می‌باشد. اندازه نمونه دیگر نیز در همین حدود بود. یکی از این کوزه‌ها در کف خانه در لایه II و نمونه دیگر در کف خانه لایه III و سومین نمونه نیز از کف خانه‌های در لایه IV بدست آمد. کوزه‌های پایه حلقه‌های را خانم کارتر تنها مربوط به دوره سوکل مخ می‌داند که شامل هر دو نمونه کوزه کوچک و بزرگ می‌باشند (Schacht; 1975; p:323).

بحث مربوط به گونه‌های سفالی نشان داد که بین سفال ایلامی تپه‌شرف‌آباد و سفال محل‌های اطراف که مربوط به دوره سوکل مخ‌ها و دوره انتقالی هستند مشابهت زیادی وجود دارد؛ بنابراین سفال تپه‌شرف‌آباد مربوط به هزاره دوم ق.م بوده و احتمالاً بعد از ۱۹۰۰ ق.م تا ۱۳۰۰ ق.م در اینجا آثار و سکونت ایلامی وجود دارد.

#### شوش، شهر شاهی I

گیرشمن در کاوش‌های ۱۹۴۶ در شهر شاهی A ۱۵ لایه را کشف کرد که از دوره اسلامی تا قرن نوزدهم قبل از میلاد می‌باشد

بزرگ با پایه‌های تخت توپر و مسطح در هفت تپه رایج است اما در چغازنبیل و AXII شناخته نشده است. در لایه AXII کاسه مخروطی ظاهرا جانشین کاسه نیم زاویه دار شد. مشخصه ظروف چغازنبیل ظروف استوانه‌های یا تخم مرغی هستند. پایه چسبیده به ظرف با برآمدگی در داخل آن از دیگر مشخصه‌های سفال ایلام میانه است. جام‌های استوانه‌های طویل در هفت تپه و یا در AXII دیده نشده است. در حالی که جام تخم مرغی در هفت تپه و AXII بدست آمد. در شوش و هفت تپه جام تخم مرغی به همراه سبوه‌های شانیه پله‌ای بدست آمد که در چغازنبیل و در AXII سبوه‌های شانیه پله‌ای بدست نیامد. (Carter; 1979; p:119-120)

سفال معبد تپتی آهار که متعلق به جدیدترین لایه ساختمانی در این محوطه است ارتباط نزدیکی با سفال‌های AXII-XIII از شهر شاهی شوش دارد (Carter; 1979; p: 125). در هفت تپه سفال منحصرا برای استفاده در زندگی روزمره ساخته می‌شده است. در این زمان سفال به کلی جنبه تزئینی خود را از دست داده است و بسیار به ندرت سفال با نقوش رنگی آرایش شده است و برای جلوه دادن به ظروف سفالی بیشتر از نقوش برجسته استفاده می‌کرده‌اند (نگهبان؛ ۱۳۷۲: ص ۱۳۲) در ظروف هفت تپه به طور کل دسته خیلی کمتر مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین ظروف سفالی این محوطه بر اساس شکل و نوع لبه و بدنه و پایه به دو بخش کلی و چند دسته اصلی که هر یک از این

و کوزه‌ها و خمره‌های دارای زاویه و یا نیم زاویه است وجود یک دسته با شکل یک الهه زن نشان از روابط نزدیک با بین‌النهرین دارد.

#### لایه‌های ۶ تا ۳ دوره V

معمول‌ترین شکل‌ها، کاسه‌هایی با لبه رو به بالا و فرو رفته و دارای نوار حاشیه، پیاله ساده با لبه رو به بالا و جام‌ها و خمره‌هایی با شانیه پله‌ای است. از شکل‌های رایج و معمول دیگر، ظروف با شکل باز و گشاد و نیز خمره‌هایی با گردن بلند حاشیه دار است.

سفال لایه ۱۲ شهر شاهی A به وسیله کارتر به دو گونه مجزا تقسیم شده است. ۱) کاسه‌های مخروطی، جام‌ها و گونه‌های چغازنبیل و ۲) یک سری سبوه‌های با پایه‌های استامپی و دکمه‌های - توپر- و جام‌ها که مشابه مرحله انتقالی سوکلماها در شهر شاهی XIII A و هفت تپه بودند (Carter; 1979; p:118-119).

در لایه XIII A کاسه‌های گونه a ۳ به همراه کاسه‌های مخروطی برای مدت طولانی یافت شده‌اند. جام‌های استوانه‌ای احتمالا رواج کمی داشته‌اند و تزئینی که شامل خطوط کنده در محل جدایی گردن از بدنه ظرف بود کاهش یافت. در لایه XIII A برای اولین بار جام‌های پایه دکمه‌های یا pedestal-base با یک شانیه مدور و بدنه‌های مدور تا تخم مرغی که رایج‌ترین گونه ظروف هفت تپه نیز هست بدست آمد. سبوه‌های شانیه پله‌های بزرگ با پایه‌های تخت توپر و مسطح رواج بیشتری یافتند اما بیشتر شکل استوانه‌های آن ظاهر شد. سبوه‌های شانیه پله‌های

گردیده‌اند. در این ظروف عموماً گردن استوانه‌های و به طرف خارج به نحو منحنی مایل گردیده است. گاهی محل اتصال شانه به گردن منحنی بوده و گاهی نیز زاویه‌های بین این دو قسمت ظرف مشاهده می‌شود و زائده برآمده‌های نیز در داخل کف ظرف دارند. در بعضی از نمونه‌های این ظروف یک تا سه خط تزئینی موازی در انتهای گردن و در محل اتصال با شانه دیده می‌شود. در بعضی از نمونه‌ها که به رنگ نخودی نیز می‌باشند دارای بدنه‌های محدب و منحنی با لبه‌های تزئینی که قسمت افقی مسطح عریض در لبه مشاهده می‌شود. در بعضی از آنها در قسمت گردن نوارهای برجسته‌های دور تا دور گردن را زینت می‌دهند. کف آنها صاف و یا مقعر است. در نمونه‌هایی نیز زاویه انحنا در نزدیکی شانه ظرف شدیدتر شده و ظرف در این قسمت به صورت محدب در آمده است. اندازه این تنگ‌ها متفاوت است و همین‌طور دارای گردن‌های کوتاه و بلند می‌باشند. در یک نمونه آن نیز در ناحیه اتصال گردن به شانه یک شیار مشاهده می‌گردد. در نمونه دیگری از این گونه که اندازه آن بزرگ‌تر نیز می‌باشد، گردن به صورت مستقیم و کمی متمایل به خارج است و یا منحنی و لبه آن به طرف خارج برگشته است. در کف ظرف از داخل گاهی برجستگی مشاهده می‌گردد و از خارج صاف و یا مقعر است. در بعضی از آنها در قسمت شانه و نزدیک کف یک خط فرو رفته در دور تا دور ظرف ادامه دارد. گاهی هنرمند سفال را با خطوط نازک و برجسته که تمام بدنه ظرف را به وضع نامنظمی فرا گرفته‌اند تزئین

دسته‌ها خود به گروه‌های مختلفی طبقه بندی شده‌اند تقسیم شده است.

بخش اول: کوزه‌ها و تنگ‌های سفالی که خود شامل دسته‌های زیر است.

الف) تنگ‌های با کف گرد و یا نوک تیز که در فرم‌های مختلفی ظاهر می‌شوند. گاهی کف آنها نوک دار و تیز و به صورت سر مخروط وارونه ساخته شده‌اند و عموماً بدنه آنها بیضی شکل و متناسب بوده و بعضی دارای دهانه گشاد و لبه به خارج برگشته هستند؛ بعضی از آنها ظروف کوچکی هستند که شکل بدنه آنها بیضی یا کروی است و دارای دهانه باریک و کوچک بوده و لبه ظرف کمی به خارج متمایل گردیده است و یا گردن باریک آن به طرف داخل متمایل است. در نمونه‌های دیگر از این دسته دارای بدنه‌های کروی و تا اندازه‌های محدب می‌باشند که گردن آنها به صورت کوتاه و یا بلند با لبه‌های به خارج برگشته می‌باشند. خمیره این ظروف از گل و شن و ماسه تشکیل شده است و به رنگ نخودی و خاکستری ساخته شده‌اند. در دسته دیگری از این ظروف تنگهائی دراز با پایه منحنی می‌باشند که گاهی به صورت ساغر بلندی که دارای گردنی کوتاه و گشاد است می‌باشد و گاهی نیز با بدنه‌های محدب و گردنی باریک‌تر است؛ و خمیر مایه گل این ظروف با شن و ماسه مخلوط است.

ب) تنگ‌ها و ساغر‌ها با پایه دکمه‌های شکل که اینها نیز در فرم‌های مختلفی ظاهر می‌شوند. ظروف این گروه به علت کف کوچک و مسطح و متمایز از بدنه بنام ظروف کف دکمه‌های مشهور



از نمونه‌ها ناحیه گردن با نوارهای برجسته و یا فرو رفته تزئین گردیده است. ظروف دیگری از این گروه شامل ظروف بزرگ سفالی هستند که مورد استفاده آنها فقط برای نگهداری مایعات نبوده است بلکه به علت پیدا شدن آنها در محل‌های خاصی همراه با اثر مهرهای مختلف که بر روی گل درپوش این ظروف قرار داشته مورد مصرف خاصی را برای آنها معرفی می‌نماید. این وضعیت خاص نشان می‌دهد که این ظروف به عنوان جعبه یا محفظه‌های برای فرستادن اشیاء مهم بکار می‌رفته است. این ظروف به علت این نوع استعمال دارای دهانه بسیار بزرگ و گشاد می‌باشند. بیشتر این ظروف به همراه اثر مهرها در انبوه خاکروبه بدست آمده‌اند و نشان می‌دهد که گیرندگان این محفظه‌ها پس از وصول آنها و شکستن مهر روی آن و برداشتن محتویات آن، ظرف را نیز دور می‌انداخته‌اند. به هر حال در ساخت این ظروف دقت زیادی نشده است و دارای گردنی مستقیم یا مستقیم متمایل به خارج و یا منحنی هستند. در برخی از نمونه‌ها دور تا دور گردن ظرف با نوارهای برجسته‌های تزئین شده و در نمونه‌های دیگری خطوط افقی تزئینی موازی فرو رفته که تعداد آنها بین یک تا چند خط متفاوت است. نمونه‌های دیگری نیز با همین استعمال ولی با بدنه‌های عریض‌تر نیز وجود دارد (نگهبان، ۱۳۷۲، ص ۱۳۸-۱۳۳). سفال با پایه دکمه‌های شکل کاملاً قابل مقایسه با سفالی است که در اواسط هزاره دوم ق.م. در دوران کاسی‌ها در بین‌النهرین نیز مورد استعمال بوده است (همان، ص ۴۴۱).

نموده است؛ این نوع تزئین از موارد خاص هفت تپه است. در نمونه دیگر این ظروف بدنه ظرف در دو قسمت دارای انحنای محدب است و دارای گردن مستقیم یا متمایل به خارج و یا داخل بوده‌اند. در محل اتصال شانه ظرف به گردن در بعضی از نمونه‌ها دو خط موازی فرو رفته و در برخی از نمونه‌ها قسمت بالای شانه و پائین گردن از نوارهای برجسته موازی که دور تا دور ظرف ادامه دارند تزئین گردیده است. در بعضی از آنها برجستگی در کف ظرف از داخل مشاهده می‌گردد. در نمونه‌های دیگری این تنگ‌ها دارای گردنی بسیار بلند و بدنه‌های کروی و یا متمایل به بیضی هستند. عموماً گردن تنگ‌ها مستقیم بوده و هر چه به دهانه ظرف نزدیک می‌شود به طرف خارج متمایل گردیده و یا در قسمت نزدیک به دهانه و لبه ظرف به طرف خارج برگشته است. در بعضی از آنها برجستگی در کف ظرف از داخل مشاهده می‌گردد. در محل اتصال شانه ظرف به گردن در بعضی از نمونه‌ها خطوط موازی برجسته در دور تا دور ظرف ادامه یافته است و گاهی نیز خطوط فرو رفته با نقش کنده نیز مشاهده می‌گردد. ظروف دیگری که از زیباترین ظروف هفت تپه هستند دارای بدنه‌های هستند که کاملاً به صورت یکنواخت و با انحنای خاصی ساخته شده‌اند و دارای بدنه‌های کروی و یا بیضی هستند. عموماً داری گردنی کوتاه و مستقیم هستند و در برخی به تدریج هر چه به دهانه ظرف نزدیک‌تر شده به طرف خارج متمایل گردیده است. در کف بعضی از آنها برجستگی و در بعضی دیگر دارای فرورفتگی است. در بعضی

می‌رسد که این نوع با سفال لبه واریخته دوران آغاز ادبیات تفاوت داشته باشند. گروه دیگر شامل ظروف ظریف و کوچکی هستند که هم می‌توانند به عنوان درپوش کوزه‌ها و هم به عنوان نعلبکی پایه دار بکار روند. البته به علت وجود فرورفتگی در داخل آنها درپوش بودن آنها بیشتر تایید می‌شود. این درپوش‌ها دارای لبه‌های متمایل به داخل و یا خارج هستند. در صورتی که به صورت ظرف مورد استفاده بوده است دارای پایه‌های مقعر هستند که به صورت کوتاه و یا بلند می‌باشند. بدنه آنها اصولاً ظریف است. گروه دیگر را می‌توان کاسه‌های عمیق با کف تقریباً دکمه‌های شکل نامید. کف آنها اصولاً تخت و بدنه آنها ناهموار، منحنی یا متمایل به بیرون است. دسته دیگر شامل کاسه‌های کوچک و عمیقی است که به نحوی ساده ساخته شده‌اند و عموماً عمق این کاسه‌ها بیشتر از پهنا و قطر آنها می‌باشد. بدنه کاسه‌ها مایل ساخته شده و هر چه به طرف لبه نزدیک‌تر می‌شود بیشتر به طرف خارج متمایل می‌شود. کف ظروف دکمه‌های شکل ساخته شده و کاملاً مسطح است. دسته‌های دیگر نیز کاسه‌های کوچکی هستند که عموماً دارای بدنه مقعر محدب می‌باشند و کف آنها به صورت منحنی است. در بیشتر نمونه‌ها لبه ظرف به خارج برگشته است و گاهی نیز دارای یک نوار برجسته تزئینی دور تا دور ظرف است. گاهی نیز کاسه‌های کوچکی با بدنه بشکه‌های شکل ساخته شده‌اند. در بعضی نمونه‌ها بدنه کروی یا مایل به شکل بیضی بوده و گاهی نیز دارای یک خط تزئینی کنده در زیر لبه دور تا دور ظرف می‌باشد.

ج) تنگ‌ها و ظروف خمیره‌های شکل با کف مسطح که در چند فرم دیده می‌شوند. گروهی از این ظروف شامل تنگ‌های کوچکی با بدن کروی و گردنی مستقیم و یا در نزدیکی لبه متمایل به خارج است. در بعضی نمونه‌ها خطوط افقی به سبک کنده دور تا دور ظرف در ناحیه گردن ادامه داده شده است. کف ظرف گاهی با حالتی منحنی متمایل به داخل پایان یافته و در برخی نمونه‌ها زاویه دار شده و به صورت خط عمودی و مستقیم پایان یافته است. گروهی دیگر شامل تنگ‌ها و ظروفی است که عموماً دارای دهان گشاد و باز و کف مسطح می‌باشند. بدنه آنها تقریباً به صورت مستقیم ساخته شده و در بعضی موارد هر چه به طرف بالا می‌رود به خارج متمایل می‌شود، و در نمونه‌هایی دیگر برعکس، هر چه به طرف پایین و کف ظرف نزدیک‌تر می‌شود بزرگ‌تر شده و به طرف خارج ظرف متمایل می‌گردد. این ظروف در دو قسمت شانه و نزدیک کف به صورت محدب هستند. گاهی بر روی بدنه بعضی از ظروف خطوط فرو رفته افقی در بعضی قسمت‌ها دورا دور ظرف ادامه دارد.

بخش دوم: کاسه‌های مختلف سفالی که خود

شامل دسته‌های زیر است:

نمونه‌های از این کاسه‌ها دهان گشاد با کف مسطح هستند. لبه این ظروف به شکل لبه واریخته است که به نظر می‌رسد متعلق به این دوره و آثار و بقایای ایلامی هفت تپه نبوده و متعلق به دوره آغاز ادبیات بوده است. ولی به علت برآمدگی در فاصله بین بدنه و پایه به نظر

دیواره عمودی وجود دارند که عمق آنها نسبت به قطر آنها خیلی بیشتر است.

با گاه نگاری در شهر شاهی II اطلاعات جدیدی برای تاریخ پایانی این مجموعه بدست آمد. میکروشیجی در طبقه ۱۰ به این نتیجه رسید که جام‌های پایه دار ایلام بی نهایت دراز شده‌اند و یک سفال خشن پس از نمونه‌های قبلی ساخته شده بود. او همچنین کاهشی را در تعداد سفال‌های (۳۲-۳۵ درصد) لایه ۱۱ در مقایسه با کاهش ۱۴-۱۱ درصدی در لایه ۱۰ مشاهده کرد و نیز افزایش مشابهی در خمره‌های چاق که اول در لایه ۱۱ پیداشده بودند (نگهبان؛ ۱۳۷۲؛ ص ۴۴۸).

### نتیجه گیری

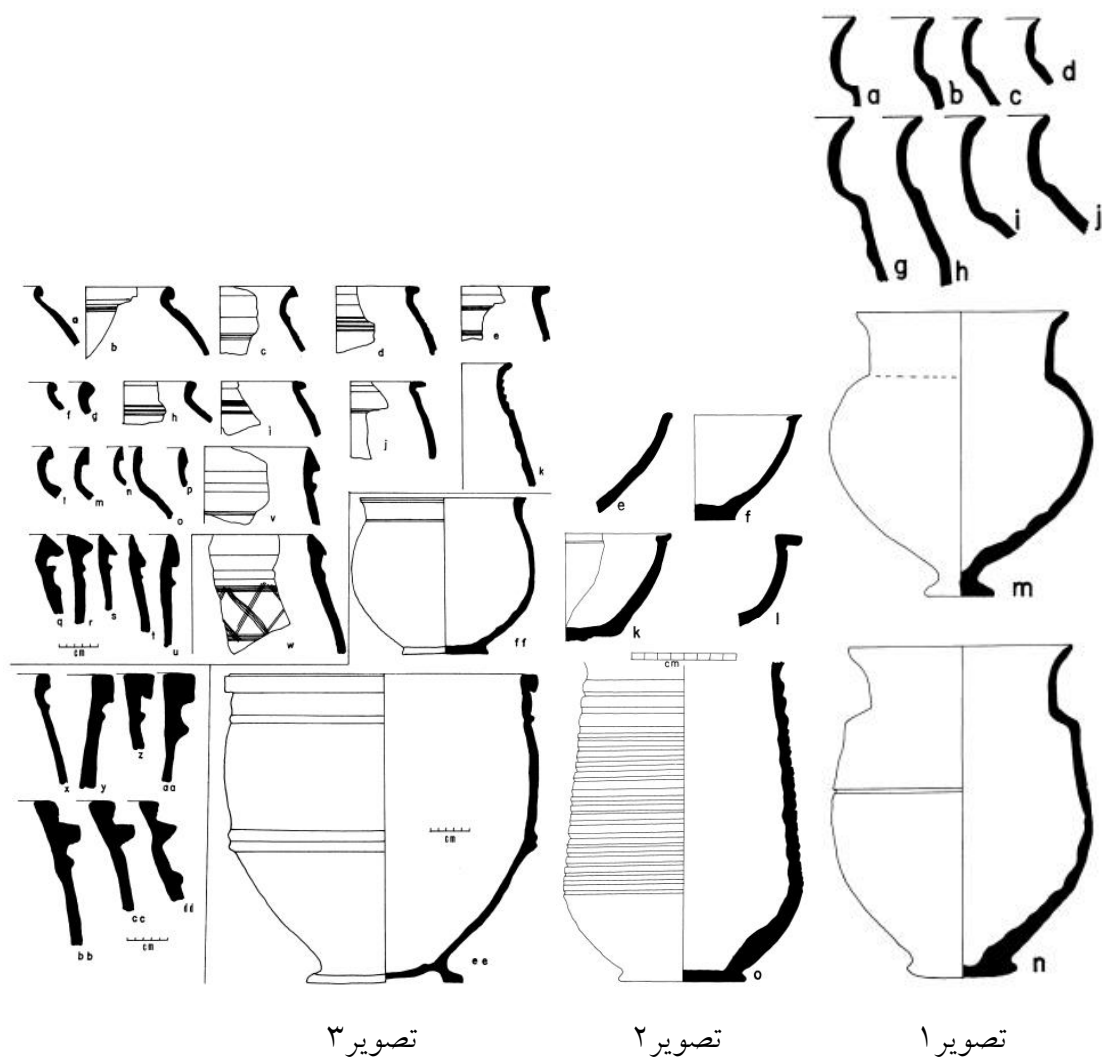
در مرحله انتقالی شباهت‌هایی را با گونه‌های کاسی- بابلی قدیم می‌بینیم و جام ایلام میانه تقریباً در شکلی مشابه ولی در یک سبک کاملاً متفاوت از جام پایه دار کاسی وجود دارد. ظروف سفالی ایلام میانه- انتقالی دو نسخه بدلی متفاوت از بین‌النهرین هستند و به عقیده گش در این زمان در ایلام استمراری وجود داشته است و تغییر اصلی در توالی بین‌النهرین است. مشخصه سفال‌های مرحله انتقالی شامل یک گونه دارای شانیه‌های افتاده، کنده یا خمره‌های با پایه‌های بدلی یا جام‌های پایه دار است. این ظروف از یک شکل شلجمی تا شکلی که اندکی کشیده شده می‌باشند و ظروف زاویه دار به یک خمره بیضی بی نهایت دراز شده تغییر کرده‌اند. دیگر فرم‌های

دسته‌های دیگر کاسه‌های ساده و معمولی است که بدنه آنها تا اندازه‌های منحنی و محدب ساخته شده است. لبه در امتداد بدنه است و یا به سمت داخل برگشته است. بدنه نیز در محل اتصال به کف یا دارای برجستگی بوده و یا متمایل به خارج است و یا عمودی به طرف کف ادامه داده شده. کاسه‌های دیگری نیز دارای دهانه گشادی هستند و دیواره و بدنه آنها به طرف خارج کاملاً مستقیم ساخته شده است. لبه‌ها نیز یا در امتداد بدنه است و یا به سمت داخل برگشته است. کاسه‌های دیگری نیز وجود دارند که بدنه آنها با کمی انحنا ساخته شده‌اند. لبه‌ها نیز یا در امتداد بدنه به نحو ساده است و یا به سمت داخل برگشته و یا هموار و مسطح ساخته شده است. بدنه داخلی و خارجی ظرف گاهی دارای ناهمواری‌هایی است. کف آنها مسطح بوده و تزئینی نیز با خطوط افقی موازی به صورت کنده دور تا دور ظرف را در بر می‌گیرد. در گروه دیگری از این کاسه‌ها قسمت بالای بدنه در نزدیک لبه به طرف خارج متمایل گردیده است. بدنه داخلی و خارجی ظرف گاهی دارای ناهمواری‌هایی است. لبه ظرف‌ها نیز متمایل به خارج است. کاسه‌های نسبتاً بزرگ دیگری نیز با دیواره مایل ساخته شده است. لبه ظروف یا کاملاً ساده بوده و یا واریخته در خارج با شیب بسیار تند و یا واریخته در داخل و دارای قسمت برجسته‌های در طرف لبه ظرف می‌باشد. کف ظروف اصولاً مسطح است. کاسه‌های با دیواره عمودی نیز وجود دارد. کاسه‌های دیگری نیز با

این مرحله شامل جام‌ها یا خمره‌های شانۀ دار که تشخیص آن از گونه‌های قبلی مرحله سوکلمخ مشکل هستند. تاریخ نهایی حضور این شکل‌ها در ۱۳۰۰ ق.م است که در خلال این مدت آنها در مجموعه چغازنبیل ناشناخته‌اند اما در هفت تپه یافت شده‌اند. در هر حال یک شباهت آشکاری بین بین‌النهرین و شوش در اواخر هزاره دوم وجود دارد، و آن تنزل در تعداد و تنوع گونه‌های سفالی بعد از میانه‌های هزاره دوم ق.م است.

### منابع

- کارتر؛ الیزابت، ۱۳۷۶، شوش و جنوب غربی ایران، تاریخ و باستان‌شناسی، ترجمه هایده اقبال، مرکز نشر دانشگاهی
- گیرشمن، رمان، ۱۳۷۵؛ چغازنبیل، ترجمه اصغر کریمی، ج ۱ و ۲؛ سازمان میراث فرهنگی
- نگهبان، عزت الله، ۱۳۷۲، حفاری هفت تپه دشت خوزستان، سازمان میراث فرهنگی
- Carter; Elizabeth; 1979; elamite - pottery, ca. 2000-1000 B.C; journal of near eastern studies. vol 38 ; p111-128
- Carter; Elizabeth; 1980; excavation - in ville royale I at susa: the third millennium B.C occupation; DAFI, 11
- Schacht, Robert M; 1975; a - preliminary Report on the excavations at Tepe Sharafabad, 1971; journal of field archaeology; vol. 2



Schacht; 1975;pp.316,317,319